



مبلی: اگر فقه به اجتماع نپردازد آینده را از دست خواهد داد

حجت الاسلام احمد مبلی ضمن تفکیک بین شریعت و فقه موجود معتقد است: «آنچه امروزه فقه نامیده می‌شود، تمام فقه نیست و ظرفیت‌های ناشناخته و محقق نشده‌ای دارد. در واقع شریعتی که از سوی خداوند آمده، بسیار کامل‌تر، پرمایه‌تر و تأثیرگذارتر از فقهی است که در حال حاضر نماینده آن است.»

حجت الاسلام احمد مبلی ضمن تفکیک بین شریعت و فقه موجود معتقد است: «آنچه امروزه فقه نامیده می‌شود، تمام فقه نیست و ظرفیت‌های ناشناخته و محقق نشده‌ای دارد. در واقع شریعتی که از سوی خداوند آمده، بسیار کامل‌تر، پرمایه‌تر و تأثیرگذارتر از فقهی است که در حال حاضر نماینده آن است.»

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام احمد مبلی در گفتگو با مجله «فرهنگ امروز» بر ارتباط فقه با اجتماع تأکید کرده و تصریح می‌کند: مادامی که ارتباط فقه با فضاهای اجتماعی قطع است از حضور در حساسترین و اساسی‌ترین عرصه‌های بشری محروم می‌ماند. به نظر او آنچه امروزه در فقه مطرح است عمدتاً شامل رفتارهای فردی، تا حدودی خانوادگی و کمتر رفتارهای اجتماعی است.

حجت الاسلام احمد مبلی ضمن تفکیک بین شریعت و فقه موجود معتقد است: «آنچه امروزه فقه نامیده می‌شود، تمام فقه نیست و ظرفیت‌های ناشناخته و محقق نشده‌ای دارد. در واقع شریعتی که از سوی خداوند آمده، بسیار کامل‌تر، پرمایه‌تر و تأثیرگذارتر از فقهی است که در حال حاضر نماینده آن است.»

ضرورت نگاه اجتماعی

به نظر این پژوهشگر فقه اسلامی: «شرط ورود به اندیشه‌های کلان اجتماعی این است که ابتدا صورت مسئله و دستور کاری به نام اجتماع در میان باشد. چون چنین شرطی محقق نشده، ما وارد حوزه اندیشه‌های اجتماعی نشدیم یا با ابزار و نگاه فردی به آن پرداخته‌ایم. یعنی به جای آنکه به بخش‌های فردی زندگی جنبه اجتماعی ببخشیم، برعکس به بعضی از بخش‌های اجتماعی وجه فردی بخشیده‌ایم.»

وی با تأکید بر ظرفیت‌های فقه، شرط فعال شدن ظرفیت‌ها را محصور نماندن در فضای فردی می‌داند و اظهار می‌کند: «فقه باید بر پایه زیرساخت‌های جامعه‌شناختی شروع به طرح اندیشه‌های کلان بر اساس منابع دینی (نه بر اساس اندیشه‌های خودساخته) کند. به این ترتیب، تحول عجیبی در فقه رخ می‌دهد و به درستی می‌فهمد که جامعه چیست و برای ایجاد مناسبات درست در جامعه، باید بر چه اولویت‌ها و ساختارهایی تکیه کند.»

وی می‌افزاید: «مشکل ما این است که فقه نظم اجتماعی را ایجاد نکرده، بلکه وارد عرصه‌های فردی شده است. تبعات این مشکل تنها این نیست که دست فقه از فضای اجتماعی کوتاه شده، بلکه اندیشه‌های فردی که فقه تولید می‌کند نیز بلای جان جامعه شده است. دلیلش این است که دیدگاه‌های فردی بسیار منقشم کننده و لطمه زننده هستند.»

رئیس سابق مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی درباره وضعیت نامطلوب حاضر می‌گوید: «با وجود چنین وضعیتی، معلوم نیست در آینده چه شرایطی داشته باشیم. آینده نیاز به خیزشی عجیب و عظیم دارد. باید هوشیار و بیدار باشیم، در حالی که خود را مشغول کارهای عادی کرده‌ایم. باید زیبایی‌های اسلام را در نگاه‌های اجتماعی کلان ایجاد کنیم؛ در غیر این صورت، نگاه‌های اجتماعی کلان دیگری جایگزین می‌شود. آنگاه شاکله دیگری ایجاد می‌کنند و هر چقدر به فقه بپردازیم، خروجی جامعه پییده دیگری خواهد بود.»

دو فقدان بزرگ

به نظر احمد مبلی ما برای تحول در فقه در دو فقدان بزرگ به سر می‌بریم: «یکی فقدان دیدگاه‌های فقهی لازم در ارتباط با جامعه است. به همین دلیل، ما عمدتاً به فردیات اهمیت دادیم و اجتماعات رها شد. در فضای امروزی اگر به فقه مناسبات و اجتماع نپردازیم، آنگاه هم آینده دور و هم آینده‌های نزدیک را از دست خواهیم داد.»

دوم، فقدان از نوع عملیات است. ما عملیات متناسب با تمدن اسلامی (و در یک وضع درونی‌تر، جامعه شیعی) نداریم. این خلأ ناشی از فقدان تفکر است. ما در مسائل فرهنگی هیچ اولییتی را رعایت نمی‌کنیم. مثلاً ناگهان روی یک مسئله فرهنگی تمرکز می‌کنیم که ممکن است شاخه‌ای از یک تنه باشد. تنه خشکیده است و ما می‌خواهیم با اجبار این شاخه را سبز کنیم.»

روش تحول در فقه

حجت الاسلام احمد مبلی با تأکید بر ثابت بودن روش اصلی فقه معتقد است: «روش هر علم از گذشته‌ها شروع شده، ادامه پیدا کرده و به زمان حال رسیده است، ممکن نیست علمی در گذشته روش کاملاً متفاوتی داشته و امروز روش دیگری را اتخاذ کنیم. روش علم در نهاد علم است و اگر از بین برود، آن علم نابود می‌شود، نمی‌توانیم فرض کنیم علمی با حفظ وحدت علم بودن، در گذشته روشی داشته و امروز این روش به طور کلی منقرض شده است. در نتیجه روش علوم هیچ‌گاه به صورت کلی از بین نمی‌رود. به تعبیر دیگر، قدر متیقن‌هایی در روش علم وجود دارد که در گذشته بوده، در زمان حال هست و در آینده نیز خواهد بود.»

وی در این باره می‌افزاید: «عناصری در روش وجود دارد که در گذشته شکل گرفته و دچار ناپختگی است. عالمان علم باید در مواجهه با حوادث جدید، عناصر نادرست و خام را شناسایی، تکمیل و تدقیق کرده و از وضعیت گذشته به وضعیت جدید سوق دهند. به تعبیر دیگر، عناصر جدیدی را به جای آن عناصر بنشانند. به هر حال از این سه وضعیت خارج نیست: تکمیل، تغییر بخشی از عناصر، و فعال سازی آن‌ها.»

حجت الاسلام مبلغی که مدیریت گروه فقه مقارن در مدرسه تخصصی فقه و اصول را در کارنامه خود دارد، با اشاره به نیازمندی فقه به تحول، شقوق تحول فقه را در چهار مورد بیان می‌کند:

«یک، عبارت است از تغییر بعضی از عناصر و نهادن عناصر دقیق و مقبول (از حیث برهان) به جای آن. مثلاً در گذشته فقها «قیاس منصوص العلة» را نمی‌پذیرفتند؛ اما بعدها به نادرستی درک خود پی بردند. همچنین در گذشته اجماع لطفی بر اذهان فقها حاکم بود؛ در حالی که امروزه هیچ کس اجماع لطفی را قبول ندارد.

دوم، فعلاً سازی است. یعنی پدیده‌های خام و ناشناخته بوده و امروز ادبیات علم آن را شناخته و فعال کرده است. مثلاً مرتکضات و سیره‌های عقلایی در گذشته‌های خیلی دور سهم چندانی در روش فقهی نداشتند؛ اما الآن تا حدودی در فقه دخالت داده می‌شوند. البته هنوز به نقطه‌های اوج و شایستگی خود نرسیده‌اند. بهتر است این نقاط را فعال‌تر و پر دامنه‌تر کنیم...

سوم، ممکن است عناصری را اضافه کنیم که اصلاً در گذشته وجود نداشته است. به نظر من، عناصر جدید فراوانی هست که در صورت شناسایی، بسیار مفید خواهد بود. بنده درباره عنصر مطالعات تاریخی در استنباط، بحث و درس‌هایی دارم که اگر بتوانیم این عنصر را بیافزاییم، تحول خوبی ایجاد می‌کند.

چهارم، گاهی بخشی از آن تنقیح می‌شود. یعنی زوائدی دارد که باید تنقیح شود. پس ما باید روش‌ها را تنقیح کرده و متحول کنیم. البته به یاد داشته باشیم که بخشی از روش‌ها ثابت هستند و با گذر زمان عوض نمی‌شوند؛ و اگر نه وحدت علم از بین می‌رود. در عین حل باید بخش‌های قدرت متیق و تغییر نیافتنی را شناسایی کنیم و در بخش‌های دیگر تحولاتی ایجاد کنیم. بعضی از عناصر روشی نیز باید کنار گذاشته شوند که ما را پیوسته مجبور به احتیاط‌های فروان کرده و دست و پای جامعه را می‌بندند.»

.....
*گفتگوی فوق‌الذکر در صفحات ۳۸ و ۳۹ از شماره دوم مجله «فرهنگ امروز» با عنوان «اگر به فقه اجتماع نپردازیم آینده را از دست خواهیم داد» منتشر شده است.